

شناخت‌نامه مازندران / ۳۷
ناموران / ۵

آیه‌الله کوهستانی

دکتر زین‌العابدین درگاهی

رسانش نوین - ۱۳۹۱

- : سردارنامه
- : درگاه، ابن العابدین، ۱۳۲۸ -
- : عنوان و نام پدیدآور
- : عنوان: رساله نون، ۱۳۹۱.
- : مشخصات نشر
- : ۷۸ هـ؛ ۱۳۹۵/۹۸ مین
- : مشخصات ظاهری
- : شمارهجلد: فاخران؛ ۳۷ - ناموزان؛ ۵
- : شمارهصفحه: ۳۷-۵۰؛ 978-600-6826-37-0 : شابک
- : شابک
- : وضعیت فهرست نویسی : فبا
- : وضعیت فهرست نویسی
- : پلاگاریت
- : پلاگاریت
- : موضوع
- : موضوع
- : موضوع
- : موضوع
- : شماره افزوده
- : شناسه افزوده
- : رده بندی کنگره
- : رده بندی موسس
- : شماره کتابشناسی ملی : ۲۹۳۳۳۳



تهران - پلار شمالی - کرچه شکبیا - پش شیرازی - پلاک ۷ - واحد ۲
 تلفن: ۰۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱ - تلکس: ۷۷۵۳۰۵۳۱ rasanesh.pub@gmail.com

آیه الله کوهستانی

دکتر زین العابدین درگاهی

سرپرست مجموعه: دکتر زین العابدین درگاهی
 ویراستاران: خدیجه نامدار جویناری، هاجر امامی

طرح جلد: زهره ایزدی راز
 صفحه آرا: ووشه جویناری
 لیتوگرافی: فیلم گراف
 چاپخانه: بهمان تواندیش
 مصافی: ولیعصر
 چاپ اول: تهران، ۱۳۹۱
 شمارگان: ۱۱۰۰
 قیمت: ۲۰۰۰ تومان

خوشبید از نقش مایه های کهن بافت های
 سنتی مازندران (گلیج)



www.rasanesh.com

۰۲۱-۹۱۲۱۳۰۹۱۳۱

چاپ اول این کتاب با حمایت حوزه فقهی ساکنان جنبش اسلامی استان مازندران منتشر شده است.

فهرست مطالب

۷	پیش‌گفتار.....
۱۱	مقدمه.....
۱۳	ولادت.....
۱۳	پدر آیه‌الله کوهستانی.....
۱۵	مادر آیه‌الله کوهستانی.....
۱۵	تحصیل در حوزه‌های علمیه.....
۱۹	استادان آیه‌الله کوهستانی.....
۲۱	اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان بازگشت از نجف.....
۲۲	تأسیس حوزه علمیه کوهستان.....
۲۵	دست‌آوردهای حوزه علمیه کوهستان.....
۲۶	سوابق مبارزاتی.....
۲۸	وداع دنیا.....
۲۹	در نگاه دیگران.....
۳۲	حکایت‌های ویژه.....
۴۰	کتاب‌نامه.....

پیش‌گفتار

مازندران سرزمین همیشه بهاران با داشتن قله‌های سر به فلک کشیده و دشت‌های سرسبز ساحل دریای نیلگون خزر، فرهنگ و تمدنی غنی و دیرینه را در خود نهفته دارد. خردورزان و پژوهشگران بی‌تردید نقش‌آفرینی نقش‌آفرینان مازندرانی را در بنا، تثبیت و گسترش هویت فکری و فرهنگی تمدن ایرانی- اسلامی نمی‌توانند نادیده بگیرند. مطالعه این نقش‌ها و نقش‌آفرینان برای بازشناسی، تقویت و بقای هویت اسلامی- ایرانی امروزیان می‌تواند راه‌گشا باشد. مجموعه «شناخت‌نامه مازندران» به این مطالعه و بازشناسی روی آورده است که ویژگی‌های شاخص آن چنین است:

موضوع: تاریخ و تمدن، فرهنگ و ادب، هنر و معماری، مذهب و...

هدف: ارتقای سطح آگاهی‌ها، تقویت هویت دینی، فرهنگی و اجتماعی، اعتلای سطح اعتماد به نفس عمومی (مردم مازندران)؛ فراهم کردن زمینه‌های پژوهشی برای رشد و شکوفایی پژوهشگران جوان، به‌ویژه پژوهشگران مازندرانی.

مخاطبان: همه مردم به‌ویژه نسل جوان تحصیل کرده.

مؤلفان: استادان صاحب‌نام دانشگاه‌ها، حوزه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی، پژوهشگران علاقه‌مند به مازندران‌شناسی.

کمیت حجم: ارائه مطالب به صورت کتاب در اندازه پالتویی به حجم تقریبی ۴۸ صفحه.

سطح مطالب: بیان متن با رعایت معیارهای علمی و پژوهشی به زبانی ساده و روان؛ نوگرایی هدف غایی نیست، اما بیانی نو و شکلی مطلوب در نظر بوده است.

محو‌رها: در مرحله اول ۳۷ جلد از مجموعه «شناخت‌نامه مازندران» در این محورها ارائه شده است: زبان، فرهنگ و ادب، تاریخ، بناهای تاریخی - مذهبی، شهرنامه‌ها (شهرهای فراموش‌شده و امروزی) و ناموران. در این مرحله چند موضوع به ظاهر پراکنده انتخاب شده است، تا علاوه بر پرهیز از تخصصی بودن صرف، به سلیقه‌های عموم مخاطبان نیز توجه شود. بی‌تردید در پایان کار (به شرط توفیق الهی)، مجموعه در هر محور به شیوه جداگانه و تخصصی می‌تواند ارائه شود. بر خود فرض می‌دانم از کسانی که در شکل‌گیری این مجموعه نقش داشته‌اند قدردانی کنم:

استادان و پژوهشگرانی که آثار خود را در اختیار این مجموعه قرار داده‌اند؛ به‌ویژه از استادان بزرگوار که مشاوران و ارزیابان علمی این مجموعه بوده‌اند: دکتر حسن بشیرنژاد، دکتر محمود دیانی، محمدصالح ذاکری، دکتر علی رمضانی پاچی،

آیه‌الله کوهستانی • ۹

دکتر رضا ستاری، علی‌اکبر عنایتی، دکتر علی‌اصغر کلانتر، دکتر مصطفی مجد، دکتر مصطفی معلمی، دکتر سید رحیم موسوی، دکتر صفر یوسفی؛ حوزه هنری استان مازندران به‌ویژه مدیر محترم حوزه جناب آقای نبی‌الله خدابخشی، مدیر پیشین جناب آقای عزیزالله محمدپور و کارشناس؛ همکاران در آماده‌سازی متن‌ها، ویرایش، نمونه‌خوانی، صفحه‌آرایی و دیگر همکاران اجرایی آقای شهرام موساپور و خانم‌ها مقدسه کوچک‌زاده، راضیه زلیکانی، مرضیه زلیکانی و... که صادقانه و بی‌وقفه در اجرای امور تلاش کرده‌اند؛ طراح جلد خانم ایزدی‌راد، نشر رسانش نوین و مدیر محترم آن، جناب آقای محسن علی‌نژاد قمی که در و همکار ایشان خانم فاطمه علی‌نژاد قمی که در ارتقای کمی و کیفی کار سخت کوشیدند. با سپاس ویژه از مدیر کل اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی مازندران حجه‌الاسلام عباسعلی ابراهیمی، پژوهشکده مازندران‌شناسی و مدیر محترم آن جناب آقای دکتر حسین اسلامی که با راهنمایی‌ها و در اختیار نهادن امکانات کتاب‌خانه در به سامان رساندن این مجموعه مؤثر بوده‌اند.

من الله التوفيق و عليه التكلان

سرپرست مجموعه شناخت‌نامه

زین‌العابدین درگاهی - تابستان ۱۳۹۱

مقدمه

در شش کیلومتری غرب شهرستان بهشهر روستایی است که از دوره کهن مازندران نشان‌های بسیاری بر خود دارد. این روستا به گواهی مستندات و نوشته مورخان «طوسان»، «کوسان» نامیده می‌شد و امروز معروف به کوهستان است.

در تاریخ حکایت کنج عزلت نشستن «باو» بنیان‌گذار سلسله‌های سه‌گانه باوندیان در آتشکده کوسان بسیار مشهور است. پیشینه تاریخی غنی کوهستان زیبا و حضور سادات بابلکائی طی قرن نهم در این منطقه موجب شده است که مورخان دوره‌های مختلف از این منطقه یاد کنند. میرظهیرالدین مرعشی نوشته است: «شهر طوسان که اکنون در مازندران به کوسان مشهور است و موطن و مسکن سادات بابلکائی می‌باشد» (میرظهیرالدین، ۱۳۴۸: ۲).

کوسان تا قرن نهم هجری رونق داشت. در اواخر قرن نهم سادات بابلکائی در کشاکش با خاندان روزافزونی قدرت را از دست دادند. میرشمس‌الدین به دست علی روزافزونی کشته

۱۲ • شناختنامه مازندران

شد (۸۶۵ هـ.ق) و میرکمال‌الدین عمومی
میرشمس‌الدین ۸۷۲ هـ.ق درگذشت و پیکر هر دو
را در کوسان به خاک سپردند (میرظهیرالدین:
همان؛ قلعه بندی، بی تا: ۱۴۰). رابینو نوشته است:
« ده کوسان در کنار رودخانه کوسان است در
چهار میلی غربی اشرف می‌باشد... گفته‌اند طوس
نوزد که فرمانده لشکر کی خسرو بود، قصبه‌ای در
پنججاه هزار ساخت در محلی که معروف به کوسان
بود و آن را طوسان نامید. کیوس جد باوند در این
نقطه آتشکده‌ای ساخت. کوسان در قرن نهم
اقامت‌گاه سادات بالکانی بود» (رابینو، ۱۳۴۳:
۲۴۴).

دوره معاصر کوهستان به دلیل حضور
بزرگ‌مردی از تبار علم و تقوا شهرتی دوباره یافت.
عالم ربانی، نشسته بر مسند پارسایی، چرافی در
کوهستان برافراخت که بزرگانی را به گرد خود
جمع کرد و مرکز درس و بحث علوم اسلامی و
شیعی شد. حضرت آیه‌الله محمد کوهستانی پس
از کسب علم و دانش در مراکز علمی روزگارش از
جمله نجف اشرف به زادگاهش کوهستان بهشهر
برگشت و مسجد و حسینیه‌ای بنا نهاد که مرکز
دلدادگان علوم علوی و خاندان نبوی(ع) شد. در
این اثر به معرفی اجمالی این بزرگ‌مرد روزگار
معاصر آیه‌الله کوهستانی می‌پردازیم و شمعی از
بزرگی‌ها و خدمات و کرامات او را یادآور می‌شویم.

ولادت

آیه‌الله حاج شیخ محمد مهدی کوهستانی در یکی از روزهای سال ۱۲۶۷ هـ. ش برابر با ۱۳۰۸ هـ. ق. صاحب فرزندی شد که او را محمد نام نهادند. با به دنیا آمدن محمد، پدر بزرگوارش برای ادامه تحصیل به نجف اشرف رفت و محمد در دامان مادر بزرگوار می‌زیست. خردسال بود که پدر از سفر تحصیلی بازگشت. بعدها خود ایشان فرمود: «هنگامی که پدرم از نجف باز می‌گشت کودک خردسالی بیش نبودم که مرا به استقبال ایشان بردند» (کوهستانی، ۱۳۶۷: ۱۲). با بازگشت حاج شیخ مهدی از نجف اشرف و اعتبار علمی آن مرحوم که تقریرات درس میرزای رشتی را نوشته بود و از آیه‌الله العظمی شیخ عبدالله مازندرانی اجازه اجتهاد گرفت، زندگی محمد را در مسیری قرار داد که پدرانش رفته بودند، مسیر علم دین و هدایت مردم. هنوز آغازین روزهای رفتن به مکتب‌خانه بود که محمد پدر ارجمند را از دست داد (۱۳۱۵ هـ. ق). کودکی ۷ یا ۸ ساله که چند سال هم از دیدار پدر و لطف او محروم بود.

پدر آیه‌الله کوهستانی

پدر حضرت آیه‌الله کوهستانی، حاج شیخ محمدمهدی از علمای معروف عصر خود و از شاگردان میرزا حبیب‌الله رشتی بود (ربانی،

۱۳۹۲ق: ۳۲۹). پدرانش از روحانیانی فاضل و اندیشمندی بودند (کوهستانی، ۱۳۸۷: ۱۰). گفتاوند که نسب این عالم بزرگ به «ملا محمد شریف کاشانی» می‌رسد که حدود یک‌صد و پنجاه سال قبل به مازندران مهاجرت کرده بود و منصب قضاوت را در رستم‌کلای بهشهر بر عهده داشت. نوۀ او حاج محمد کاشی به روستای کوهستان مهاجرت کرد و از این پس، این خاندان به کوهستانی شهرت یافتند.

شیخ محمد مهدی پس از فراگیری مقدمات علوم اسلامی، برای فراگیری علوم تکمیلی به نجف اشرف مهاجرت کرد و در محضر بزرگانی چون «امیرزا حبیب‌الله رشتی» (۱۲۳۴-۱۳۱۲ق) و «شیخ عبدالله مازندرانی» (۱۲۵۶-۱۳۳۰ق) به تحصیل پرداخت. پس از کسب درجهٔ اجتهاد از شیخ عبدالله مازندرانی حدود سال ۱۳۱۳ قمری به مازندران بازگشت (ربانی، ۱۳۹۲: ۳۲). شیخ محمد مهدی کوهستانی پیش از این (بازگشت به مازندران) با دختر روحانی والا مقامی به نام ملا محمدباقر ازدواج کرده بود که ثمرۀ این ازدواج «آیه‌الله محمد کوهستانی» است. شیخ محمد مهدی کوهستانی دو یا سه سال پس از بازگشت از نجف اشرف دار فانی را وداع کرد و پیکرش را پس به مشهد مقدس، انتقال دادند و در جوار حضرت امام رضاع) به خاک سپردند.

مادر آیه‌الله کوهستانی

مادر آیه‌الله کوهستانی، فاطمه کوهستانی دختر ملا محمدباقر کوهستانی است. ملامحمد باقر، اهل کرامات و عالمی بزرگ‌منش و مورد احترام اهالی بود. مادر آیه‌الله کوهستانی که همسر عالم خود را در جوانی از دست داد، با قناعت و ساده‌زیستی و سخت‌کوشی همه توانش را در پرورش تنها یادگار شیخ مهدی، آیه‌الله محمد کوهستانی گذاشت. او سعی داشت بدون کمک دیگران و تنها با اتکا به کار و تلاش خود، هزینه‌های زندگی و تحصیل فرزندش را تأمین کند و از هیچ کس هم کمکی قبول نمی‌کرد.

مادر آیه‌الله کوهستانی قناعت ستودنی و اعتماد به نفس بالایی داشت وقتی که برایش پیام آوردند که می‌خواهند برای تأمین مخارج تحصیل فرزندش اعانه جمع کنند و به نجف بفرستند از این پیام آشفته شد و آن را نپذیرفت. وی گفت: پسرم احتیاجی ندارد، خود هزینه‌اش را تأمین می‌کنم.

تحصیل در حوزه‌های علمیه

حوزه علمیه بهشهر

آیه‌الله کوهستانی را از همان آغاز کودکی به مکتب‌خانه فرستادند تا با قرآن و نوشتن و

خواندن آشنا شود. با آن‌که پدر بزرگوارش در قید حیات نبود، اما مادر مکرماهش که عاشقانه از او نگهداری می‌کرد دوست داشت تا فرزندانش راه پدرانش را ادامه دهد. او به حوزه علمیه بهشهر فرستاد که در آن روزگار با حضور علمای صاحب‌نام، حوزه‌های پررونق و فعال بود. وی در آن حوزه توانست مقدمات علمی مانند صرف و نحو و منطق را بیاموزد. کتاب شمسبه در منطق را نزد «حاج شیخ احمد رحمانی» فراگرفت. مطول را نزد مدتی نیز در کلاس درس عالم بزرگ «حاج آقا بزرگ کردکویی» حاضر شد. بخشی از کتاب قوانین را نزد «آیه‌الله آقاخضر اشرفی» خواند که هم‌شاگردی پدرش بود. قسمتی از فقه و اصول را در محضر «آیه‌الله حاج سید محسن نبوی اشرفی» فراگرفت. حدود چهار ماه در حوزه علمیه کاظم‌بیک بابل رفت تا از دانش عالمان وقت آن شهر خوشه‌چینی کند.

حوزه علمیه مشهد

آیه‌الله کوهستانی برای تکمیل معلومات و کسب علوم اسلامی، عازم مشهدالرضاع) شد. وی به مدرسه «میرزا جعفر» که از مدارس بزرگ و مجاور حرم مطهر بود اقامت گزید. در مشهد «معالم الاصول» را نزد آیه‌الله حاج شیخ نجف‌علی

آیه‌الله کوهستانی • ۱۷

فاضل خواند و ظاهراً قسمتی از «شرح لمعه» را در محضر عالم فاضل شیخ شعبان حجّتی آموخت. با تلاش و سعی علمی و با جدیت مثال‌زدنی در حوزه علمیه مشهد مقدس توانست کتاب‌های سطح را بگذرانند و برای درس خارج به حوزه درس مرجع تقلید آیه‌الله العظمی حاج حسین قمی و مجتهد بزرگ آیه‌الله میرزا محمد کفایی (فرزند آیه‌الله ملامحمدکاظم خراسانی نویسنده کتاب معروف کفایه) رفت. حدود ده سال از عمر شریفش را در جوار بارگاه حرم رضوی(ع) طی کرد و مدارج عالی علمی را گذراند تا این که در آن حوزه علمیه به فضل علمی و اخلاقی مشهور شد و مورد توجه استادان و طلاب قرار گرفت.

حوزه علمیه نجف

آیه‌الله کوهستانی که ده سال سخت‌کوشی و علم و تجربه‌اندوزی در محضر بزرگان را در مشهد تجربه کرد، حدود سی سالگی برای تحکیم مبانی اجتهاد و رسیدن به مدارج علمی عالی‌تر و درک محضر بزرگان علم و دانش شیعی و زیارت عتبات عالیات عازم نجف اشرف شد.

حدود سال ۱۳۴۰ هـ.ق وارد نجف شد. بلافاصله در حلقه درس بزرگان و مراجع حاضر شد سپس در خدمت علامه میرزاحسن نائینی و آیه‌الله‌العظمی سیدابوالحسن اصفهانی برای درس فقه و برای درس اصول به آیه‌الله‌العظمی

ضیاء‌الدین عراقی مراجعه کرد و در سلک شاگردان استادان بزرگ حوزه جهان تشیع قرار گرفت. آیه‌الله کوهستانی در میان استانان حوزه نجف پیش از همه به میرزای نائینی ارادت داشت و تا پایان عمر از او به بزرگی یاد می‌کرد و عظمت و ابهت او را می‌ستود.

آیه‌الله کوهستانی در حوزه نجف به دلیل سابقه درخشانش در حوزه علمیّه مشهد و مراوده با علمای بزرگ، پس از اندک زمانی توجه علما را به خویش جلب کرد و همگان ریاضت اخلاقی و سلوک عرفانی وی را ستودند. در حوزه علمیّه نجف بحث‌های علمی وی با بزرگانی چون آیه‌الله العظمی سید محمود شاه‌رودی و مباحثه‌های او با آیه‌الله العظمی شیخ محمد تقی آملی معروف بود. البته دوستی آنان تا پایان عمر ادامه داشت.

آیه‌الله کوهستانی حدود سال ۱۳۴۸ هـ ق پس از نزدیک به هشت سال حضور در نجف اشرف به ایران بازگشت. در هنگام بازگشت، مراجع بزرگ آیه‌الله العظمی میرزا حسین نائینی، آیه‌الله العظمی سیاب‌الرحمن اصفهانی، آیه‌الله العظمی شیخ ضیاء‌الدین عراقی به او اجازه اجتهاد دادند.

آیه‌الله نائینی در اجازه‌نامه اجتهاد از او چنین یاد کرده است: «العالم العامل و الفاضل الکامل عماد الاعلام و ثقه الاسلام التقی الزکی المؤید جناب الاعا الشیخ محمد الطبرسی الاشرافی...».

آیه‌الله سید ابوالحسن اصفهانی خطاب به او نوشت: «العالم الفاضل عماد الاعلام و مصباح الظلام المحقق المدقق الصفی الشیخ محمد المازندرانی الاشرافی...»

آیه‌الله ضیاءالدین عراقی در اجازه‌نامه‌اش درباره آیه‌الله کوهستانی چنین نوشت: «العالم العامل و الفاضل الكامل کنز التقی و علم الهدی فخرالمحققین و افتخارالمدققین الشیخ الامجد والجبر المعتمد غواص بحارالعلوم و منهج رموزالتحقیق علی‌العموم رکن‌الاسلام و المسلمین و صفوه الفقهاء الراشدين السلیل المؤید جناب الشیخ محمد المازندرانی الاشرافی الکوسانی.»

استادان آیه‌الله کوهستانی

آیه‌الله کوهستانی در سه محل تحصیل مازندران، مشهد مقدس و نجف اشرف در درس استادان بسیاری شرکت کرد و خوشه‌چین معرفت علم و تقوای آنان بود:

- مازندران: از محضر استادان حوزه‌های علمیه بهشهر و بابل استفاده کرد. حضرت آیه‌الله خضر اشرفی متوفای سال ۱۳۳۶ هجری که ریاست حوزه علمیه بهشهر را برعهده داشت. از ایشان آثاری در فقه و اصول بر جای مانده است. یکی دیگر از عالمان بزرگ حوزه علمیه بهشهر حضرت آیه‌الله محسن نبوی اشرفی بود که آیه‌الله کوهستانی در محضر ایشان درس خواند، آیه‌الله

تهران درگذشت. پیکرش را در حرم حضرت عبدالعظیم حسنی به خاک سپردند.

حوزه علمیه نجف: آیه‌الله کوهستانی در حوزه علمیه نجف در محضر مراجع بزرگ تقلید شیعه کسب فیض کرد. سه نفر آنان معروف‌تر از دیگرانند:

- آیه‌الله العظمی میرزا حسین نائینی (متوفی ۱۳۵۵ هـ.ق): او را مجدد و نوآور در علم اصول می‌شناسند. علاوه بر فقه و اصول در علوم دیگر مانند فلسفه، حکمت، ریاضیات و عرفان تبحر داشت.

- آیه‌الله العظمی ابوالحسن اصفهانی (متوفی ۱۳۶۷ هـ.ق): از فقهای به‌نام و بزرگ است پس از وفات محقق نائینی مرجع تقلید بلامنازع شناخته شده، کتاب «وسيله‌النجاه» از اوست.

- آیه‌الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی (۱۳۶۱ق): از فقهای بزرگی است که در محضر بزرگانی مانند سید محمدکاظم نوری، آخوند ملا محمدکاظم خراسانی و... کسب فیض کرد. پس از درگذشت آخوند خراسانی به جای او تکیه زد.

اوضاع سیاسی - اجتماعی زمان بازگشت از نجف

آیه‌الله کوهستانی سال ۱۳۴۸ هـ.ق با کسب درجه اجتهاد از سه عالم بزرگ جهان تشیع به

سوی ایران رهسپار شد. در این سال‌ها رضاخان حکومت را در دست داشت و اصلاحات شبه مدرن به وسیله کارگزاران وی در حال انجام بود. مازندران همچون دیگر نقاط ایران به شدت تحت تأثیر شرایط دوره رضاخانی قرار داشت و حوزه‌های علمیه و مدارس دینی به حالت نیمه تعطیل درآمدند. تنگنای حوزه‌های علمیه مازندران به ویژه حوزه‌های علمیه بهشهر، ساری، بابل و درگذشت علمای بزرگ این دیار چون آیه‌الله ملامحمد اشرفی و آیه‌الله شیخ کبیر موجب شد تا مدارس علمی و روحانیت در سختی و عسرت قرار گیرند.

بازگشت شیخ محمد کوهستانی تغییر و تحول در وضعیت روحانیت و مدارس علمیه مازندران به وجود آورد. برون‌رفت از این وضعیت دشوار نیاز به هوش و جسارت داشت تا آیه‌الله کوهستانی بتواند به عنوان مجتهدی آگاه ابتکار عمل را در دست گیرد و از آن تهدید به عنوان یک فرصت استفاده کند.

تأسیس حوزه علمیه کوهستان

بازگشت آیه‌الله کوهستانی سال ۱۳۴۸ ه. ق. حدود سال‌های ۱۳۰۸-۱۳۰۹ شمسی به ایران سرآغاز نهضت و جهاد علمی شد. شرایط دشوار پیش آمده در کشور از سویی، و تمایل نداشتن به شیوه مرسوم تبلیغ از سوی دیگر این اندیشه را

تقویت کرد که حوزه علمیه کوهستان را راه‌اندازی کند، در حالی که حوزه‌های علمیه بزرگ کشور در وضعیت تعطیل و یا نیمه‌تعطیل قرار داشتند.

آیه‌الله کوهستانی می‌گفت: «وقتی از نجف بازگشتم در فکر بودم که چه کاری انجام بدهم و چگونه وظیفه خود را به انجام برسانم؟ چطور با مردم رفتار نمایم؟... مردد بودم آب و نان خود را بگیرم و به شهرها و روستاها سفر کنم و به طور سیار و خانه به دوش تبلیغ نمایم یا حوزه‌ای بنا کنم و عده‌ای را تربیت کنم که آنان به جای من به شهرها و روستاها بروند و اسلام و دین را ترویج کنند... سرانجام با توکل به خدا و توجه حضرت ولی‌عصر (عج) تأسیس حوزه علمیه را آغاز کردم» (کوهستانی، ۱۳۸۱: ۵۲). بالاخره سال ۱۳۱۲ ش این برنامه به تحقق پیوست. در آغاز، مجالس درس و بحث علمی با طلاب در حسینیه حضرت ایشان تشکیل می‌شد. حضرت آیه‌الله می‌گفتند: «به همسرم گفتم: تو حضوری در حق طلاب مادری کنی و من پدری کنم و آن‌ها را تربیت نمایم، تا نزد پروردگار رو سفید باشیم؟» (همان) و چنین شد.

رواق گرفتن حلقه درس ایشان، افزوده شدن تعداد طلاب و هم‌چنین به پایان آمدن قدرت رضاخانی و به وجود شرایط مناسب اجتماعی و فرهنگی موجب شد تا سال ۱۳۲۱ش با ساختن

چند اتاق در حاشیه حیاط بیرونی خانه، به طور رسمی حوزه علمیّه کوهستان بنا شود.

اندکی بعد افزایش تعداد طلاب و حضور آن‌ها به عنوان مستاجر در خانه اهالی کوهستان، موجب شد تا ایشان با اصرار طلاب برای احداث ساختمان مدرسه اقدام کند. با همت ایشان و کمک خیران سه دستگاه ساختمان بنا شد و آیة‌الله کوهستانی به قرآن استخاره کرد، این آیة آمد: «قل بفضل الله و برحمته فبذلک فلیقرحوا هو خیر مما یجمعون» (یونس/۵۷).

با الهام از این آیة امید بخش قرآن کریم وقتی سه دستگاه ساختمان مدرسه با ۲۷ حجره تأسیس شد. این سه مدرسه را «فضل»، «رحمت» و «فرح» نامیدند (ربانی، ۱۳۹۲ق: ۱۷۸). حضرت آیة‌الله کوهستانی در صرف بودجه برای تأسیس حوزه علمیّه بسیار دقیق بود تا جایی که کمک‌ها را با دقت بررسی می‌کرد و از سهم امام در این مسیر استفاده نکرد (همان). برخی از طلبه‌ها که از ابتدای تأسیس حوزه در کنارش بودند نقل کردند که شخصی آیة‌الله کوهستانی و طلاب در ساخت و ساز مدرسه کمک می‌کردند تا این‌که حوزه علمیّه ساخته شد. در اندک زمانی حوزه علمیّه کوهستان پذیرای حدود ۲۰۰ طلبه شد و در بعضی از سال‌ها این تعداد از ۴۰۰ نفر نیز فراتر رفت.

آیه‌الله کوهستانی • ۲۵

اوایل بیش‌تر خود آقا درس‌ها را می‌گفت و پاسخ‌گوی پرسش‌های طلبه‌ها بود. برای طلبه‌های درس‌خوان تشویق و برای طلبه‌های کم‌تلاش تنبیه‌هایی در نظر می‌گرفت. مراقبت و نظارت بر امور اخلاقی و درسی طلبه‌ها دائمی بود (همان).

دست‌آوردهای حوزه علمیّه کوهستان

حضرت آیه‌الله کوهستانی با بنیان حوزه علمیّه در کوهستان بهشهر گامی بلند در تقویت بنیان‌های اندیشه شیعی در مازندران دیار علویان برداشت و شاگردان بسیاری را تربیت کرد. طی سال‌های ۱۳۵۱ - ۱۳۱۲ ش صدها تن طلبه در محضر او درس آموختند و گام‌های بلند علمی برداشتند که هر کدام از فضلا و علمای بزرگ در حوزه‌های بزرگ قم و نجف و مشهد شدند. شاگردانی چون آیه‌الله حاج میرتقی نصیری، آیه‌الله حاج شیخ حسین محمدی لائینی، آیه‌الله سید فضل‌الله حسینی بادابسری، آیه‌الله سید خلیل محمدی بادابسری، شیخ ابوالقاسم رحمانی، شهید سید عبدالکریم هاشمی‌نژاد، آیه‌الله شیخ ابوالحسن ایازی، آیه‌الله محمد فاضل استرآبادی، آیه‌الله محمدرضا روحانی‌نژاد، آیه‌الله نورالله طبرسی و... اینان تنها نشانه‌هایی بودند از صدها شاگردی که در مکتب علم و اخلاق ایشان تربیت شدند.

سوابق مبارزاتی

آیه‌الله کوهستانی در شرایطی از نجف اشرف بازگشت که کسی توان مخالفت و سرپیچی از دستوره‌های حکومتی رضاشاه را نداشت. برنامه‌های ضد دینی رضاشاه چنان بود که روحانیون نمی‌توانستند با لباس روحانیت وارد خیابان‌ها بشوند، در این شرایط آیه‌الله کوهستانی تصمیم گرفتند برای تبلیغ دین و مقابله با سیاست‌های نادرست رضاشاه در کوهستان حوزه علمیه احداث کنند. این عمل مقابله با حکومت تلقی می‌شد و ذهن کجی به اصلاحات رضاخانی بود. آیه‌الله کوهستانی و شیخ محمدحسن حجّتی تنها روحانیونی بودند که در بهشهر جرئت رفت و آمد با لباس روحانیت داشتند (کوهستانی، ۱۳۸۷: ۵۳). این مبارزه‌ای بزرگ بود که ساخت حوزه علمیه کوهستان آغاز شد.

در دوره حکومت محمدرضا پهلوی با آن که دولتیان بسیاری به محضرش شرفیاب می‌شدند، ایشان بی‌بروا از نامه امام علی(ع) به مالک اشتر حرف می‌زد و به رعایت حال مردم و عدالت سفارش می‌کردند. هیچ هدیه‌ای را از آنان نمی‌پذیرفت.

آیه‌الله کوهستانی با آن‌که عالمی پرهیزگار و زاهد بود، اما با آگاهی سیاسی، هوشمندی و سیاست‌مداری خویش هیچ‌گاه نسبت به اتفاقات

آیه‌الله کوهستانی • ۲۷

سیاسی جامعه بی تفاوت نبود و موضع گیری‌هایش آشکار بود. ایشان با آغاز حضرت نهضت امام خمینی (ره) همواره حمایت‌های خود را ابراز و از وی تجلیل می‌کرد.

یک روز پس از حمله رژیم شاه به مدرسه فیضیه آیه‌الله هاشمی‌نسب مقداری از سهم امام (ع) را از طرف آیه‌الله کوهستانی به خدمت حضرت امام (ره) بردند، حضرت امام فرمودند: «سلام مرا به آقای کوهستانی برسانید، ما از ایشان التماس دعا داریم. هنوز نیمه راه هستیم و خیلی مانده به مقصد برسیم و محتاج دعای ایشان هستیم» (همان: ۲۱۱).

پس از حادثه قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ حضرات آیات عظام میلانی و مرعشی نجفی برای آیه‌الله کوهستانی نامه نوشتند و خواستند که برای اعتراض به تهران بیاید. آیه‌الله کوهستانی طی نامه‌ای به حضرت آیه‌الله میرزا هاشم آملی هم‌درس خودش در حوزه علمیه نجف حمایتش را از حضرت امام خمینی (ره) به طور رسمی اعلام کرد (همان: ۲۱۳). آیه‌الله کوهستانی پس از آن واقعه همواره از امام خمینی (ره) حمایت می‌کرد. یادآوری این نکته ضروری است که آیه‌الله کوهستانی در مبارزه شهید نواب صفوی با رژیم پهلوی از او حمایت می‌کرد و چند روزی شهید نواب صفوی میهمان ایشان بود.

وداع دنیا

آیه‌الله کوهستانی در سال‌های آخر عمر به بیماری برنژیت مزمن و تنگی نفس مبتلا شدند و در فصل زمستان بیماری ایشان شدت پیدا می‌کرد. در هشتم ربیع‌الاول ۱۳۹۱ هـ. ق برای درمان به پیشتهاد ارادتمندان و استخاره به قرآن در قم عزیمت کردند و در بیمارستان آیه‌الله گلپایگانی بستری شدند و تحت درمان قرار گرفتند. پزشکان ایشان دکتر محمدرضا فیض و دکتر غلامرضا باهر بودند و دکتر قاضی رئیس بیمارستان بوعلی تهران نیز از سوی آیه‌الله گلپایگانی به قم دعوت شد تا برای درمان آیه‌الله کوهستانی تصمیم لازم گرفته شود. با نظارت و بی‌گیری آیه‌الله العظمی گلپایگانی و فرزندانش حالشان بهبود یافت. پس از مدتی به مازندران بازگشت با آن‌که آیه‌الله گلپایگانی و بسیاری از علما و مراجع خواستار اقامت ایشان در قم بودند، اما نپذیرفتند. پس از بازگشت به مازندران با صلاح‌دید پزشکان مدتی نیز در بیمارستان زارع ساری بستری بودند و سپس با شرایط جسمانی بهتری به خانه بازگشتند.

مدتی نگذشت که با سرماخوردگی وضع جسمی ایشان بد شد و متأسفانه دیگر بهبود نیافت. تا این‌که شب جمعه چهاردهم ربیع‌الاول

آیه‌الله کوهستانی • ۲۹

۱۳۹۲ برابر با هشتم اردیبهشت سال ۱۳۵۱ شمسی به ملکوت اعلی پیوستند.

طبق وصیت، دامادشان، آیه‌الله هاشمی نسب بدنشان را غسل دادند و صبح جمعه آیه‌الله شیخ محمد شاهرودی بر پیکرشان نماز خواندند و جمعیتی انبوه در بهشهر پیکر ایشان را تشییع کردند و به سمت مشهد به راه افتادند. پیکر آیه‌الله کوهستانی در مسیر مشهد در شهرهای گرگان، علی‌آباد، بجنورد و قوچان، با استقبال مردمی تشییع شد و بالاخره روز شنبه پس از مراسم تشییع در مشهد، در دارالسیاده در جوار حضرت امام رضاع(ع) به خاک سپرده شد.

در نگاه دیگران

۱- آیه‌الله العظمی سیدمحمود شاهرودی: «آیه‌الله شاهرودی همیشه از آقای کوهستانی با احترام و تجلیل یاد می‌کرد و درباره‌ی ایشان فرمود: «کوهستانی از برکات ارض است» (کوهستانی، ۱۳۶۷: ۳۴۴).

۲- آیه‌الله العظمی بروجردی: «حجه‌الاسلام درزیان (از روحانیون مازندرانی) می‌گوید ابتدا که جهت تحصیل علوم دینی به قم رفتم، دیدم آب و هوای قم با مزاج من سازگار نیست و اقامت در قم برای من دشوار است، وقتی با آیه‌الله بروجردی مشورت کردم، ایشان فرمود: تو چون

مازندرانی هستی برو به کوهستان بهشتهور، در آن‌جا حوزهای پاک و مقدس دایر است، برو نزد شیخ محمد زاهد حقاظ و در آن‌جا سطح را بخوان، اگر خارج هم می‌گویی در آن حوزه بمان بعد بیاقم» (همان: ۳۴۷).

۳ - آیةالله العظمی گلپایگانی: «روزی که مرحوم کوهستانی پس از بهبودی، از بیم‌رستان آیةالله گلپایگانی خارج می‌شد، آیةالله گلپایگانی ضمن تودیع فرمودند: زهد و تقوا و بزرگی شما برای من علم‌الیقین بود و الان به مرحله عین‌الیقین رسید» (همان: ۳۴۸).

۴- آیةالله العظمی مرعشی نجفی: حضرت آیةالله مرعشی همواره از مقام و منزلت آیةالله کوهستانی تحویل می‌نمود و در یکی از سخنان خود فرمود: «کوهستانی لنگر ارض است» (همان: ۳۴۹).

۵- آیةالله العظمی حکیم: «حججه‌الاسلام درزیان نقل کردند: در سفر حج پس از ورود به مکه متوجه شدم حضرت آیةالله حکیم نیز مشرف هستند. در منا خدمت ایشان رسیدیم، آقای حکیم از من پرسید: اهل کجایی؟ گفتم: از مازندران. پرسیدند: آقای کوهستانی را می‌شناسی؟ گفتم: از شاگردان ایشان هستم. فرمود: او عالمی زاهد و عارف است، از اولیای الهی است در نجف به زهد و تقوا مشهور بود. بعد فرمود: آیا مردم قدر او را می‌دانند؟» (همان: ۳۴۶).

آیه‌الله کوهستانی • ۳۱

۶- آیه‌الله العظمی میلانی: «خیلی میل دارم شما در مشهد بمانید، ولی از خدا می‌ترسم، وجود شما در آن‌جا (مازندران) در مقابل دشمنان اسلام لازم است، می‌خواهم اصرار ورزم که این‌جا تشریف بیاورید و بمانید، لیکن از خدا می‌ترسم. خدا می‌داند آستان قدس رضوی به وجود شما نیازمند است... لحظاتی که با آقا شیخ محمد کوهستانی می‌نشیم از عمرم محسوب نمی‌گردد» (همان: ۳۴۸).

۷- حجه‌الاسلام محمدتقی فلسفی: «زندگی چند نفر را که مطالعه می‌کردم ناخودآگاه معنویت جان مرا فرامی‌گرفت... یکی از بزرگان که زندگی‌اش مرا به یاد قبر و قیامت و معنویت سوق می‌داد، زندگی آیه‌الله شیخ محمد کوهستانی بود که وقتی زهد و ساده‌زیستی او را دیدم مرا دگرگون کرد» (همان: ۳۵۴).

۸- آیه‌الله ایازی: از ایشان مطالب و نکات فراوانی درباره آیه‌الله کوهستانی نقل شده است به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- «آن‌چه درخور جامعه بود جامعیتی به او بخشیده بود که در کمتر کسی بتوان جویا شد.
- اگر به خوبی جو مسموم و خفقان‌آور آن‌روز را در ذهن ترسیم کنیم، عظمت کار کوهستانی را درمی‌یابیم.

- تأسیس حوزه علمیه در آن موقعیت بحرانی و حساس به یقین کلمه حقی بود که بی‌شک افضل‌الجهاد به شمار می‌آمد.

- حوزه علمیه کوهستان مرکز انفجار نوری بود که انوار ستارگان ثابت و سیار از آن انفجار پدیدار گشت.

- به جرئت می‌توان گفت که آن جناب نه تنها در زهد و تقوا عمیق بود، بلکه در شاخص‌های علمی و اجتماعی، اخلاقی و سیاسی دقیق بوده است» (حسینی، ۱۳۸۱: ۲۳۴).

حکایت‌های ویژه

از حضرت آیةالله کوهستانی و درباره ایشان حکایت‌های ویژه‌ای نقل شده است که خود در حد یک کتاب پر حجم خواهد شد. در این جا گزیده‌های از آن‌ها را نقل می‌کنیم (که در آثار منتشره‌شده در باره آیةالله کوهستانی آمده‌است):

۱- آیةالله کوهستان: زمانی که در حوزه علمیه ساری درس می‌خواندم یکی از دوستان طلبه به نام شیخ اسماعیل شریعت گرچی به من پیشنهاد کرد که برای ادامه تحصیل به بابل برویم، زیرا استاد زیر دستی در منطق در آن حوزه تدریس می‌کند. به اتفاق به حوزه بابل رفتیم، اما برای وی مشکل پیش آمد نتوانست بماند. من ماندم و از محضر آن استاد منطق استفاده کردم، او استاد ماهری بود و مدعی بود که هنوز از مادر نرزییده کسی که مثل من منطق بگوید و یا در این مورد بر من اشکال بگیرد. روزی سر درس اشکالی به ذهن من آمد و خواستم آن را طرح کنم ولی اجازه نمی‌داد، تا این

آیه‌الله کوهستانی • ۳۳

که گفتم: استاد، ما آن چه را که فرا گرفتیم از محضر شما بوده است. وقتی این جمله را گفتم نرم شد و به اشکال من توجه کرد و آن را تصدیق کرد و گفت: آخوند، درست می‌گویند. آن‌گاه من به شوخی به وی گفتم: حال معلوم شد که اشکال‌کننده بر شما از مادر متولد شده است.

۲- آیه‌الله کوهستانی: در راه نجف اشرف بودم که به قم رسیدم. توفیقی دست داد که با حضرت آیه‌الله العظمی حاج شیخ عبدالکریم حائری (مؤسس حوزه علمیه قم) ملاقات کنم. ایشان احترام و عنایت بسیاری به من کرد و کتاب «دررالفوائد» خود را به من هدیه داد. نزد ایشان عده‌ای از فضلا و علما نشسته بودند به من گفتند: همین‌جا بمان در نجف خیری نیست! در جوابشان گفتم: من برای خبر به نجف نمی‌روم، بلکه نیت زیارت عتبات عالیات دارم.

۳- آیه‌الله کوهستانی هیچ‌گاه اجازه‌نامه‌های اجتهادش را به کسی نشان نداد و هیچ ادعایی نمی‌کرد. فرزندش می‌گوید: روزی دیدم صندوق شخصی خود را باز کرد و دنبال پیدا کردن چیزی است. یک کیف چرمی را بیرون آورده بود که چند کاغذ در آن بود. پرسیدم: این‌ها چیست؟ با کمال خونسردی فرمود: چیزی نیست! بعدها متوجه شدم اجازه‌نامه‌های اجتهاد ایشان است.

۴- دکتر شهیدی (چشم پزشکی مشهور مازندران) چنین نقل کردند: روزی که به اتفاق

۳۴ • شناخت‌نامه ماژندران

عده‌ای از دوستان بزرگ از گرگان به ساری مراجعت می‌کردیم، به دیدار آیةالله کوهستانی رفتیم. دکتر سعیدی سرگرم معاینه معظّم‌له شد، این در حالی بود که قسمتی از بدنشان برهنه و بدن لاغر و استخوانی‌شان به چشم می‌آمد. به ناگاه بدون مقدمه ایشان گفتند: «ما قصد فریب مردم را نداریم، بلکه می‌خواهیم مردم به خاطر اختلافاتی که دارند، با هم مشاجره و نزاع نکنند.» سپس ساکت شدند. پس از خروج از محضر ایشان یکی از همراهان با شگفتی و حیرت گفت: وقتی بدن لغت و استخوانی ایشان را موقع معاینه دیدیم از خاطرم گذشت که چگونه این بساط را برای فریب به راه انداخته. در همین اندیشه بودم که ناگاه ایشان آن حرف را زد. متوجه شدم ایشان از اندیشه‌ام آگاه شده است.

۵- آیةالله ری شهری از آقای سیدقاسم شجاعی نقل کرده‌اند: صدرایی اشکوری از وعاظ رشت دچار عارضهٔ قلبی شده بود، او را از رشت به تهران آوردند و در بیمارستان آبان بستری کردند. روزی مرحوم فلسفی به من زنگ زد و خواست که به اتفاق به عیادت صدرایی برویم، به عیادت ایشان که رقتیم فلسفی گفتند: شما وضعتان چطور است؟ ایشان گفت: عطیهٔ آقا سیدالشهدا ما را اداره می‌کند. آقای فلسفی گفت: ما همه از آقا سیدالشهدا برخورداریم. ایشان پاسخ داد: آقا ما

یک حساب دیگری داریم. آقای فلسفی کنجکاو شد که جریان چیست؟ آقای صدرايي گفت: من یک قطعه باغ چای دارم که عطیۀ سیدالشهداست و در دوران تقاعد و پیری، مرا اداره می‌کند. آقای فلسفی گفت: از کجا می‌گویید که عطیۀ سیدالشهداست؟ گفت: من این باغ را فروخته بودم و دو روز بعد از آن به دیدار آیه‌الله کوهستانی به مازندران رفتم.

وقتی وارد شدم ایشان به من گفتند: صدرا چرا عطیۀ ملوکانه را می‌فروشی؟ به او گفتم: آقا من با شاه کاری ندارم. ایشان فرمود: «این را نمی‌گویم، این‌ها الفاظ را دزدیده‌اند. یادت هست جوان بودی رفتی حرم سیدالشهدا(ع) بالای سرآقا، سرت را به شبکه نزدیک کردی، گفתי: «آقا سیدالشهدا(ع)... من یک لطفی می‌خواهم که در دوران تقاعد و پیری سر سفره شما اداره شوم» این باغ اجابت آن دعاست. چرا معامله کردی؟ دست حضرت آقا را بوسیدم و از پله‌ها پایین آمدم و بلافاصله به رشت بازگشتم و قول‌نامه را پاره کردم و تا الان زندگی من از این باغ اداره می‌شود».

۶- من (شجاعی) آن وقت حالم دگرگون شد. تصمیم گرفتم که خدمت آقا برسم. ایام حج بود. به عنوان روحانی کاروان مشرف شده بودم. دکتری به نام طهماسبی داشتیم، به ایشان گفتم

۳۶ • شناخت‌نامه مازندرانی

که من می‌خواستم خدمت آقای کوهستانی برسم نشد. ایشان گفتند: من پزشک ایشان هستم. گفتم: چه خوب پس وعده کن تا به ایران رسیدیم مرا بلافاصله خدمت ایشان ببرید.

در این هنگام حال آی‌الله کوهستانی خوب نبود سخت بیمار بودند... من خیلی نگران‌شان بودم تا این‌که از مکه به عرفات آمدم. در هنگام خواندن دعای عرفه حالی به من دست داد و ایشان را با دلی شکسته دعا کردم و شفای ایشان را خواستم. ایران که آمدم، نشد که خدمت ایشان برسم. به مشهدالضارح) رفته بودم، ساعت یازده و نیم شب بود و دارالسیاده دیدم پیرمرد بزرگوارى را که زیر بغلش را گرفته‌اند و می‌آورند. پرسیدم کیستند ایشان؟ گفتند: آی‌الله کوهستانی است. سلام که کردم و خم شدم و دست‌آشان را بوسیدم. همین که خم شدم دست‌آش را روی شانام گذاشت و گفت: شجاعی، خدا عاقبت را به خیر کند. دعای عرفات به ما رسید! من تمام بدنم عرق کرد. همان جا نشستیم.

۷- اسفند ۱۳۴۴ برای بررسی مسائل مالی و شرعی خودم خدمت آقا رسیدم. پس از پرسش و پاسخ به این نتیجه رسیدیم که مبلغی بابت خمس به‌هنگام، نصف مبلغ را نقداً تقدیم کردم و بقیه را هم‌چون به همراه نداشتم قرار فرمودند تا به یک نفر از سادات بدهم. در همان لحظه فکری

آیه‌الله کوهستانی • ۳۷

به خاطر رسید که می‌توانم به مادر بزرگم بدهم که از سادات بود. ناگهان آقا رو به من فرمودند: پسر من یک وقت فکر نکنی که می‌توانی به مادر بزرگت بدهی! شما از نظر شرعی متکفل مخارج و زندگی ایشان هستی، این مبلغ به او تعلق نمی‌گیرد، می‌بایست به سیدی دیگر بدهی. من ناگهان به خود لرزیدم در حالی که چیزی بر زبان نیاورده بودم. بلافاصله گفتم: چشم حاج آقا. ۸- در ایام تبلیغ برای منبر به مازندران و یا تهران سفر می‌کردم و گاهی به محضر آیه‌الله کوهستانی می‌رسیدم. ایشان خیلی به من احترام می‌کرد و جایی را برای منبر من تعیین می‌نمود. در یکی از سفرها که به بهشهر آمدم، مردد بودم که به کوهستان بروم یا نه؟ استخاره گرفتم. بسیار خوب آمد. آیه این بود: «فانظر الی آثار رحمه الله کیف یحیی الارض بعد موتها» عازم کوهستان شدم و به محضر آقا شرفیاب شدم. پس از آن که میهمان‌ها مرخص شدند، حضرت آیه‌الله رو به من کرد و فرمود: سید بزرگوار برای آمدن به کوهستان استخاره کردی؟ بخوان آیه آن را که نیازی به این کار نبود. من شگفت‌زده شدم در حالی که کسی از این ماجرا خبر نداشت (سید موسی موسوی سبزواری).

۹- روز ۲۸ صفر بود و جمعیت زیادی نزدیک

ظهر برای دیدار آیه‌الله کوهستانی جمع شدند و

عدمای نیز از شهر با هیئت عزاداری به کوهستان آمده بودند. تدارک ناهار فقط برای افراد حاضر در مجلس بود و کفاف میهمانان جدید را نمی‌داد. اطرافیان نگران شده بودند و به آقا گفتند. در این موقع دیدیم آقا در کمال خونسردی به طرف دیگرهای غذا رفتند و با دستانشان چند بار ملاقه‌های دیگرها را به حرکت درآوردند و دعا خواندند و برگشتند. همه دیدیم که مردم بارها در حسینیه و حیاط ناهار خوردند و رفتند و آن همه جمعیت غذا خوردند و کم نیامد (بنی‌کاظمی).

۱۰- روزی آقا جان (آیه‌الله کوهستانی) را با ماشین خود به جایی می‌بردم در بین راه فرمود: فردای قیامت مردم دوست دارند به دنیا برگردند و یک لاله الا الله بگویند و بمیرند (حجه الاسلام نجفی مصطفوی).

۱۱- به طور معمول طلبه‌ها مشکلات شخصی خود را به راحتی با حضرت آیه‌الله کوهستانی در میان می‌نهادند. روزی طلبه‌ای نزد وی آمد و گفت: خرجی من تمام شد. از شما کمک می‌خواهم. آقا پرسید: نماز شب می‌خوانی؟ گفت: بلی. آقا جان در جواب فرمود: راست نمی‌گویی. طلبه‌ای که نماز شب بخواند بی‌خرجی نمی‌ماند (شیخ غلام ابراهیمی).

۱۲- آقا جان (آیه‌الله کوهستانی) خیلی به طلاب علاقه‌مند بود. وقتی درس‌ها تعطیل

آیه‌الله کوهستانی • ۳۹

می‌شد و شاگردان به منازلشان بازمی‌گشتند معظّم‌له از سر مهر و علاقه آنان را تا درختی که نزدیک مسجد قرار داشت و تقریباً ابتدای محل بود بدرقه می‌کرد. در فراقشان اشک جاری می‌کرد. از این رو برخی از طلاب نام آن درخت را شجره الوداع نهاده بودند (حجه‌الاسلام شیخ محمدرضا رحمانی).

۱۳- روزهای تعطیلی تابستان بود که طلبه‌ها به مسافرت رفته بودند و من و عده‌ای از طلاب در مدرسه مانده بودیم و نزد فرزند آیه الله کوهستانی تلمذ می‌کردیم. اواخر مرداد بود و هوا هم به شدت گرم شده بود، تصمیم گرفتیم تا شهریور را تعطیل کنیم و به مسافرت برویم. می‌خواستیم از محضر آقاخان رخصت بطلمیم با آن‌که فکر می‌کردیم احتمال دارد ایشان نپذیرد. در حسینه خدمت ایشان رسیدیم. خدمت آقا عده‌ای مهمان نشسته بودند و موعظه گوش می‌کردند. تصمیم خود را به اطلاع ایشان رساندیم. آقا جان با خوش‌رویی با ما برخورد کرد و ترغیب کردند که مشتاقانه به مسافرت برویم. فرمودند: بسیارخوب است از این فصل به درستی استفاده کنید و به بالای کوه‌ها و قله‌ها بروید تا سلول‌های مغز استراحت کند و تجدید قوا کنید، وقتی برگشتید بتوانید بهتر به تحصیل بپردازید (حجه‌الاسلام یدالله مقدسی).

کتابنامه

- ۱- حسینی شیرازی، سید علی اکبر (۱۳۸۱)، کبیر کوهستان، ساری: مهر ساجده.
- ۲- رابینو (۱۳۴۳)، مازندران و استرآباد، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ۳- ربانی مازندرانی، اسدالله (۱۳۹۲ق)، گوشه‌ای از زندگی آیه‌الله حاج شیخ محمد کوهستانی، قم: سید عبدالعلی هاشمی.
- ۴- قلعه‌بندی، حسن (بی تا)، تاریخ و جغرافیای بهشهر، بی جا: بی نا.
- ۵- کوهستانی، عبدالکریم (۱۳۶۷)، برقله پارسایی، قم: زمین‌سازان ظهور امام عصر (عج).
- ۶- میرظهیرالدین موعثی (۱۳۴۸)، تاریخ طبرستان و رویان و مازندران، تهران: بنیاد فرهنگ.

آیه‌الله کوهستانی • ۴۱



حضرت آیه‌الله میرزا هاشم آملی و
آیه‌الله کوهستانی در مشهد



اقامت‌گاه و حسینیه آیه‌الله کوهستانی



آب‌الله کوهستانی در حال رفتن به مسجد



مردک مطهر حضرت آجانه کوهستانی (ره)
ورودی شرقی به موزه حضرت آجانه کوهستانی مازندران

تصویر اجازة حضرت آية الله العظمى آقا سيد ابوالحسن اصفهانی

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين وصلی الله علی محمد وآله الطاهرين اجمعين

و بعد فان تجارب العالم الفاضل عماد الاسلام ومصلح الطلاب
و بزرگان

الحق المدقق الصواب الشيخ محمد لا زنده را اکثر في اداب العلم
تفوق بها

عن معرفه و تشريفه في تحصيل العلوم لهم و غيره و بقا له في
العلم

النظر و در حضور علماء غير من الاعيان و على هذا القدر
من الزمان تخصر في حق تحصيله و في انفسه

مجربا في اجتهاد احمي بلع عمده علمه طرية الاضربا و وبها
و عليه الاضربا

للاول و غير الامام و لم يصدق على ائمة الحكم و هذا
ان تر و في حق ما يعجز عن رايه و الاضربا و لا ياتي اليه اليه

التي علمها المدار و التفتة الاخره المتدا و لم يصدق
واوصيه بالوصايا في نهج في العلم و كما اشهدوا الكرام

من علومها و اذ افاضها في العالمين في كل العلم و اذ
انه انما في فضايل النما و حرره في تاريخه و في تاريخه و في تاريخه

الاصحاب في
الاصحاب في

الاصحاب في

الاصحاب في



تصویر اجاره حضرت آیة الله العظمی آقا ضیاءالدین عراقی

رسمت

بسم الله الرحمن الرحیم

سبحان الله وبحمده ان الله المبین

والمعجز ان الله هو الغنی الغنی

عزیز العزیز العزیز العزیز العزیز

الجلیل العزیز العزیز العزیز العزیز

الکریم العزیز العزیز العزیز العزیز

الرحمن العزیز العزیز العزیز العزیز

الرحیم العزیز العزیز العزیز العزیز

الکریم العزیز العزیز العزیز العزیز

الرحمن العزیز العزیز العزیز العزیز

الرحیم العزیز العزیز العزیز العزیز



مجموعه شناخت‌نامه مازندران

محور اول:

زبان مازندرانی

- ۱- مازندرانی: لهجه، گویش یا زبان / دکتر حسن بشیرنژاد
- ۲- آینده زبان مازندرانی: نشانه‌های خطر / محمد صالح ذاکری
- ۳- آینده زبان مازندرانی: پیامدها و باورها / محمد صالح ذاکری
- ۴- آینده زبان مازندرانی: راهکارها / محمد صالح ذاکری

محور دوم:

فرهنگ و ادب مازندران

- ۵- مازندران و دیوان / دکتر میرجلال‌الدین کزازی
- ۶- انواع ادبی تبری / زینب‌خاتون بدیمی پهنمیری
- ۷- امیر پازواری / احمدعلی عنایتی
- ۸- سراج‌الدین قمری آملی / دکتر محمدعلی نوری
- ۹- درباره افسانه‌های مازندرانی / نادعلی فلاح
- ۱۰- افسانه عاشقانه طالب و زهره / نادعلی فلاح
- ۱۱- جشن‌ها و آیین‌ها: تبر ما سیزه شو / علی صادقی

محور سوم:

تاریخ مازندران

- ۱۲- طبری: مورخ طبرستانی / دکتر پروین ترکسی آذر
- ۱۳- علویان تبرستان: شکل‌گیری حکومت / جهادام کریم‌مصطفی‌طوسی
- ۱۴- علویان تبرستان: محمد بن ابراهیم / دکتر سید رحیم موسوی
- ۱۵- علویان تبرستان: محمد بن زید / دکتر سید رحیم موسوی
- ۱۶- مرعشیان: میر قوام‌الدین، بنیان‌گذار حکومت / دکتر مصطفی مجد
- ۱۷- مرعشیان: مرعشیان عصر صفوی / دکتر مهروی ادریسی آریسی

سید محمد علی اکبر عسائی
طبع شد در شهر کابل
سال ۱۳۱۵ هجری قمری

۴۸ • شناخت نامه مازندران

- ۱۸- باوندیان: کبوسه / علی اکبر عنایتی
- ۱۹- قارون و نندیان / علی اکبر عنایتی
- ۲۰- تیرستان در قرون اولیه / سجاد رضایی

محمدرم:

بناهای مذهبی، تاریخی مازندران

- ۲۱- تکیه کرد کلاهی جو بیار / دکتر فتانه محمودی
- ۲۲- امامزاده یحیی ساری / دکتر علی اصغر کلانتر
- ۲۳- سقاقلار / دکتر علی اصغر کلانتر
- ۲۴- بقعه دیر صالحان کجور / احمد پیرزاد
- ۲۵- تزیینات بناهای مذهبی مازندران / مهینا السادات حجازی
- ۲۶- امامزاده ابراهیم بابلسر / مهینا السادات حجازی
- ۲۷- امامزاده زین العابدین ساری / مهینا السادات حجازی
- ۲۸- غار اسپهبد خورشید / محمد کشاورز

محمدر پنجم:

شهر نامه های مازندران (گم شده و امروزی)

- ۲۹- تمیشه / زهرا یوسفی
- ۳۰- پایدشت و آتاشان / دکتر صفور یوسفی
- ۳۱- آمل / علی ذبیحی
- ۳۲- جو بیار / خدیجه نامدار جو بیاری

محمدر ششم:

ناموران مازندران

- ۳۳- عمادالدین طبری / حمزه الاسلام محسن قاسمی پور
- ۳۴- ابن شهر آشوب / دکتر زین العابدین درگاهی
- ۳۵- شهید عبدالکریم هاشمی نژاد / صاعقه خستودی
- ۳۶- ابو سهل کوهی / دکتر علی رمضان پاجی
- ۳۷- آیه الله کوهستانی / دکتر زین العابدین درگاهی